

بازنمایی مرگ ملکه انگلیس در رسانه‌های داخلی و خارجی

(مورد مطالعه: خبرگزاری فارس و ایسنا و تارنمای بی‌بی‌سی فارسی)

عاطفه نژادسالاری / شماره ۲ / پیاپی ۱۳۱ / ۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۰۷

نوشته

عاطفه نژادسالاری*

سیدمحمد مهدی زاده**

چکیده

رسانه‌ها، در نقش خبری، آیینه انعکاس رویدادها و واقعیت دنیای اجتماعی و سیاسی نیستند، بلکه آفریننده واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی هستند و به برداشت افراد از دنیای اطرافشان هستی می‌بخشند. آن‌ها در تهیه خبر، علاوه بر انتخاب داده‌ها، آن‌ها را بر اساس قالب‌های جاافتاده معنی‌دار می‌سازند. هدف اصلی پژوهش حاضر بازنمایی مرگ ملکه انگلیس در رسانه‌های داخلی (خبرگزاری‌های فارس و ایسنا) و خارجی (تارنمای بی‌بی‌سی) است. به منظور دستیابی به هدف اصلی پژوهش حاضر از نظریه‌های بازنمایی و چارچوب‌بندی و روش تحلیل گفتمان انتقادی با رویکرد ون دایک استفاده شده است. از هر کدام از این رسانه‌ها، دو متن به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند و بعد از مشخص شدن گزاره‌های مثبت و منفی، قطب‌بندی خود و دیگری، پیش‌فرض و تداعی و تلقین موجود در متون مشخص شد که دو گفتمان اصلی در زمینه مرگ ملکه انگلیس قابل تفکیک از یکدیگر هستند. قبل از هر چیزی، هر گونه صحبت در زمینه مرگ ملکه، به نقش نهاد سلطنت در انگلستان اشاره دارد، بنابراین در یک سوی طیف رسانه‌های خارجی با تأکید بر بی‌بی‌سی فارسی قرار دارند که نهاد سلطنت در انگلستان را نهادی تشریفاتی و فاقد قدرت می‌دانند که تنها کارکرد آن حفظ اتحاد جامعه و نماد ملت بودن است. در تقابل با این گفتمان، گفتمان خبرگزاری‌های داخلی مانند فارس و ایسنا قرار دارد که نهاد سلطنت در انگلستان را تشریفاتی نمی‌داند و آن را مسبب همه بحران‌ها و جنگ‌هایی می‌داند که دولت انگلستان در دوره‌های مختلف به راه انداخته است.

کلیدواژه: بازنمایی، تحلیل گفتمان انتقادی، چارچوب‌بندی، مرگ ملکه انگلیس، ملکه الیزابت، نهاد سلطنت در انگلستان.

* کارشناس ارشد علوم ارتباطات، دانشکده علوم ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)، تهران، ایران
a.nejadsalari@yahoo.com

** دانشیار گروه علوم ارتباطات، دانشکده علوم ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
m.mahdzadeh@atu.ac.ir

طرح مسئله

امروزه در عصر ارتباطات، نقش رسانه‌های جمعی و اجتماعی در حوزه‌های مختلف اجتماع برکسی پوشیده نیست. آن‌ها در عصر حاضر به منزله پایگاه انتقال اطلاعات، پیام‌ها و افکار بین انسان‌ها، البته نه به صورت حضوری و فیزیکی، بلکه در محیط مجازی و غیرحضوری به حساب می‌آیند (لوبرانو، ۱۹۹۷: ۱۵۱). این حضور پررنگ رسانه‌ها در عرصه‌های مختلف زندگی انسان‌ها باعث شده است که نقش مهمی در شکل‌دهی به افکار عمومی جامعه داشته باشند. آن‌ها همچون آینه‌ای برای انعکاس واقعیت عمل نمی‌کنند، بلکه بر ساخت اجتماعی واقعیت تأثیر می‌گذارند (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷: ۹). برای شناخت دقیق‌تر جهان پیرامون، نیاز است که گفتمان‌های مختلف رسانه‌ای را در زمینه یک خبر واحد به‌دقت مورد بررسی قرار داد تا بتوان تفاوت‌هایی را کشف کرد، که در نحوه بازنمایی جهان پیرامون به‌واسطه چارچوب‌بندی اخبار وجود دارند.

هدف اصلی پژوهش حاضر، بازنمایی مرگ ملکه انگلیس در رسانه‌های داخلی و خارجی است. الیزابت دوم از ۶ فوریه ۱۹۵۲ تا زمان مرگش در ۸ سپتامبر ۲۰۲۲ ملکه پادشاهی بریتانیا و سایر قلمروهای مشترک‌المنافع بود. اهمیت مرگ ملکه انگلیس از آنجایی ناشی می‌شود که در مورد نقش نهاد سلطنت در این کشور دیدگاه‌های متضادی وجود دارد، علیرغم اینکه کشور انگلیس این نهاد را تشریفاتی و تزیینی معرفی کرده است، برخی از کشورهای دیگر این نهاد را اصلی‌ترین نهاد تصمیم‌گیری در کشور انگلیس می‌دانند. با توجه به این مسئله، پژوهش حاضر با بررسی گزارش‌ها و یادداشت‌هایی که منعکس‌کننده دیدگاه رسانه‌های فارسی‌زبان داخلی و خارجی در زمینه مرگ ملکه انگلیس هستند، در پی این است که گفتمان‌هایی را مورد واکاوی قرار دهد که پیرامون مرگ ملکه انگلیس شکل گرفته‌اند.

در حال حاضر دست کم دو منبع رسانه‌ای فارسی‌زبان را می‌توان برای مخاطبان داخل ایران به عنوان منبع معنا در مورد رویدادها تلقی کرد. گروه نخست رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور هستند که بی‌بی‌سی فارسی را می‌توان جدی‌ترین نماینده آن‌ها به‌شمار آورد (مهدی‌زاده و علیزاده، ۱۳۹۳: ۲۲۰). گروه دوم خبرگزاری‌ها و تارنما‌های داخلی هستند که به احزاب و نهادهای مختلفی که داخل کشور فعال هستند، به‌صورت مستقیم و غیر مستقیم وابسته‌اند. در این مقاله هدف اصلی این است که گفتمان‌های کلانی بررسی شود که هر کدام از این رسانه‌ها در زمینه مرگ ملکه انگلیس ارائه داده‌اند.

در همین راستا مقاله حاضر به دنبال پاسخگویی به این سؤال است:

- خبرگزاری‌های فارس و ایسنا و تارنمای بی‌بی‌سی فارسی مرگ ملکه انگلیس را چگونه بازنمایی کرده‌اند؟

- سؤال‌های فرعی پژوهش به این شرح هستند:
- متون خبری منتشرشده در خبرگزاری‌های فارس و ایسنا و تارنمای بی‌بی‌سی فارسی چه نظام واژگانی (مثبت و منفی) را به کار برده‌اند؟
- قطب‌بندی یا ارزش‌های منتسب به خود و دیگری در خبرگزاری‌های فارس و ایسنا و تارنمای بی‌بی‌سی فارسی چگونه بر ساخته شده‌اند؟
- پیش‌فرض‌های مطرح‌شده در متون خبری خبرگزاری‌های فارس و ایسنا و تارنمای بی‌بی‌سی فارسی چه بوده‌اند؟
- دلالت‌های ضمنی متن (تلقین و تداعی) در خبرگزاری‌های فارس و ایسنا و تارنمای بی‌بی‌سی فارسی چه بوده‌اند؟

پیشینه پژوهش

سلیمانی ساسانی و دیگران (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان "فرایند برجسته‌سازی در بی‌بی‌سی فارسی؛ تحلیل روایت برنامه‌های کوک، صفحه دو، آپارات" با تحلیل موردی روایت در این برنامه‌ها شیوه‌های برجسته‌سازی و انتشار موضوع‌های خبری را در شبکه بی‌بی‌سی فارسی بررسی کرده است. در این پژوهش با استفاده از تحلیل روایت نشان داده شده که رسانه‌های غربی چگونه با استفاده از تکنیک‌های روایت در خبر دنبال دستیابی به اهداف خود هستند.

حاجی و حسینی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان "طراحی و شکل‌گیری رویداد رسانه‌ای: مطالعه موردی پوشش رسانه‌ای ازدواج نوه ملکه انگلیس از شبکه بی‌بی‌سی فارسی (۲۹ آوریل ۲۰۱۱)" به این سؤال‌ها پاسخ داده که رویداد رسانه‌ای ازدواج نوه ملکه انگلیس، چگونه شکل گرفت، چگونه اجرا شد و چه سناریو و اهداف تبلیغات فرهنگی در آن وجود داشت؟ نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که این مراسم دارای ویژگی‌هایی از جمله برنامه‌ریزی دقیق، حمایت رسانه‌های بزرگ دنیا از مراسم، حضور و استقبال گسترده مردم از آن، نظم و امنیت هنگام برگزاری مراسم بود. همچنین اهدافی مانند تبلیغ فرهنگی، تمدنی و رسانه‌ای، رقابت فناوریانه رسانه‌ای و به‌رخ کشیدن برتری خود، مقدمه‌سازی المپیک ۲۰۱۲ و نمایش شکوه و عظمت سلطنت داشته است.

مهدی‌زاده و علیزاده (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان "بازنمایی برکناری مرسی در اخبار تلویزیونی صداوسیما ج.ا.ا. و بی‌بی‌سی فارسی" به دنبال پاسخگویی به این سؤال بوده‌اند که یکی از مهم‌ترین رویدادهای خاورمیانه (برکناری مرسی) چگونه توسط رسانه‌هایی با چارچوب‌های گفتمانی مختلف (شبکه یک صداوسیما ج.ا.ا. و بی‌بی‌سی فارسی) بازنمایی شده است؟ طبق نتایج این پژوهش، تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی از گفتمان لیبرال دموکراسی در قالب مؤلفه‌هایی چون مشروعیت اکثریت، حکومت قانون و برابری برای بازنمایی رویداد

مصر استفاده کرده و در مقابل شبکه یک تلویزیون ج.ا.ا. از مؤلفه‌های گفتمان انقلاب اسلامی همچون حمایت از اسلام‌گرایان، حمایت از جبهه مقاومت و توطئه غرب برای بر ساخت رسانه‌ای رویداد مصر بهره گرفته است.

فرخی حقیقت و یآوری (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان "بازنمایی تصویر دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی در شبکه بی‌بی‌سی فارسی؛ مطالعه موردی مستند «مصدق، نفت و کودتا»" به برجسته شدن گفتمان‌هایی چون گفتمان منافع ملی و گفتمان ملی‌گرایی، گفتمان ناسیونالیسم ایرانی، پادگفتمان اسلام سیاسی، پادگفتمان مقاومت و پادگفتمان تسلیم و سازش در این مستند اشاره کرده‌اند.

فرخی و آریایی (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان "بررسی پوشش خبری تشییع شهید سلیمانی در رسانه‌های موافق و مخالف جبهه مقاومت؛ به مقایسه پوشش خبری تشییع شهید سلیمانی در ۱۵۸ خبر منتشر شده در تارنمای خبری العالم (عربی)، پرس‌تی‌وی (انگلیسی)، المیادین (عربی) و المنار (عربی) به عنوان رسانه‌های موافق جبهه مقاومت و ۱۲۸ خبر منتشر شده در تارنمای العربیه (عربی)، الحره (عربی)، بی‌بی‌سی (انگلیسی) و سی‌ان‌ان (انگلیسی) پرداختند. از جمله نتایج آن می‌توان به این موضوع اشاره کرد که تفاوت معناداری در نحوه پوشش خبری این رویداد در رسانه‌های موافق و مخالف وجود دارد؛ به گونه‌ای که جبهه موافق از تیرهای اقناعی و تبلیغی و صفات مثبت برای شخص قاسم سلیمانی استفاده کرده در حالی که جبهه مخالف از نرم‌خبر و تنوع قالب بیشتری بهره برده است.

بشیر و بیدگلی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان "جنبش اشغال وال استریت: تحلیل گفتمان پوشش خبری سایت‌های بی‌بی‌سی، پرس‌تی‌وی و صدای آمریکا در پاییز ۱۳۹۰" به این نتیجه رسیده‌اند که بی‌بی‌سی فارسی دیپلماسی رسانه‌ای «ابهام و تحریف»، صدای آمریکا دیپلماسی رسانه‌ای «تقابل و تهاجم» و پرس‌تی‌وی دیپلماسی رسانه‌ای «بحران‌سازی» را در خصوص وقایع مورد بررسی، پیش گرفته‌اند.

بر اساس نتایج پژوهش سربابی و بهجتی‌فرد (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان "مقایسه گفتمان خبری سایت‌های فارسی‌زبان شبکه‌های العربیه و بی‌بی‌سی مطالعه موردی اعتراضات عمومی در بحرین" اصلی‌ترین چارچوب در دستورکار بی‌بی‌سی فارسی در خصوص اعتراض‌های عمومی در بحرین «نادیده گرفتن هویت اسلامی اعتراض‌ها و القای تقابل و افزایش تنش بین قدرت‌های منطقه‌ای بر سر موضوع بحرین» و اصلی‌ترین چارچوب در دستورکار تارنمای العربیه «حمایت از دولت بحرین، کم‌رنگ جلوه دادن اعتراض‌های مخالفان و حمایت از اقدام‌های عربستان در قبال بحرین» بوده است.

مبانی نظری بازنمایی

زبان به عنوان نظام بازنمایی عمل می‌کند. به زعم استوارت هال، بازنمایی فرایندی است که در آن اعضای یک فرهنگ از زبان (به طور کلی به عنوان نظام دلالتی که نشانه‌ها را به کار می‌گیرد) برای خلق معنا استفاده می‌کنند (هال، ۲۰۰۳: ۶۱). به همین دلیل به نظر وی واقعیت به نحو معنادار وجود ندارد و بازنمایی یکی از شیوه‌های کلیدی تولید معناست (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۶). هال می‌گوید رسانه‌ها واقعیت را تعریف می‌کنند و به جای آنکه فقط معناها را منتقل کنند، از خلال گزینش، عرضه و سپس بازتولید و صورت‌بندی مجدد آن رویداد، برای آن‌ها معنا می‌آفرینند (ویلیامز، ۱۳۹۱: ۱۷۶). استوارت هال سه رهیافت را در مورد نحوه بازنمایی از طریق زبان مطرح می‌کند: بازتابی، تعمدی و برساخت‌گرا.

- در رهیافت بازتابی، چنین تصور می‌شود که معنا در شی، شخص، ایده یا رویداد در جهان واقعی وجود دارد و زبان همانند آینه‌ای عمل می‌کند تا معنای واقعی را، همان‌گونه که در جهان وجود دارد، بازتاب دهد.

- رهیافت تعمدی استدلال می‌کند که این مؤلف است که معنای منحصر به فرد خود را از طریق زبان تحمیل می‌کند. واژه‌ها همان معنا را می‌دهد که نویسنده یا گوینده مد نظر داشته است.

- سومین رهیافت، ماهیت اجتماعی و عمومی زبان را به رسمیت می‌شناسد. این رهیافت باور دارد که اشیا و رویدادها به‌خودی‌خود و نیز کاربران زبان به‌تنهایی نمی‌توانند معنا را در زبان تثبیت کنند؛ زیرا اشیا و رویدادها معنا ندارند، ما معنا را با استفاده از نظام‌های بازنمایی، می‌سازیم. از این رو، به آن رهیافت برساخت‌گرا می‌گویند. طبق این رهیافت، این جهان مادی نیست که حاوی و ناقل معناست؛ بلکه این سیستم زبان است که ما برای ارائه مفاهیم خود استفاده می‌کنیم. این بازیگران زبان هستند که از چارچوب‌های مفهومی و فرهنگ و سایر نظام‌های زبانی و بازنمایی دیگر، جهت ساخت معنا استفاده می‌کنند تا بدین وسیله جهان را معنادار سازند (هال، ۲۰۰۳: ۴۲).

- از میان این سه رویکرد نظری در بازنمایی، پژوهش حاضر مبتنی بر رویکرد بازنمایی برساخت‌گرا است. ایده اصلی در این تحقیق این است که هرچند رسانه‌ها مدعی بازنمایی مبتنی بر واقعیت از حوادث دنیای پیرامون هستند (سلطانی‌فر و هاشمی، ۱۳۸۲؛ شکرخواه، ۱۳۹۱)، اما بازنمایی حوادث در رسانه‌ها، به شکل بی‌طرف، دنیای پیرامون را به نمایش نمی‌گذارد. در این رویکرد رسانه‌ها در بازنمایی‌هایی که دارند خشی نیستند (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷)، بلکه ایدئولوژی‌های سازندگان برنامه‌ها و سیاست‌هایی که دولت‌ها در کشورهای مختلف در پیش می‌گیرند، در نحوه رمزگذاری تولیدات رسانه‌ای تأثیرگذار هستند.

همان‌طور که حال بیان می‌کند، رسانه‌ها واقعیت را تعریف می‌کنند و به جای آنکه صرفاً به انتقال معناهای موجود بپردازند، از خلال گزینش و عرضه و سپس بازتولید و صورت‌بندی مجدد آن رویداد، برای آن‌ها معنا می‌آفرینند. از آنجا که هر واقعیتی از معانی مختلفی برخوردار است، رسانه‌ها با تکیه بر قدرتی که دارند، تصمیم می‌گیرند که به هر رویدادی چه معنایی ببخشند (ساعی، ۱۳۸۹: ۱۱۹ - ۱۲۰). در این روند می‌توان مجموعه‌ای از عوامل درون و برون رسانه‌ای را از یکدیگر تفکیک کرد که در فاصله واقعیت تا خبر قرار دارند و بر نحوه ارائه آن در رسانه‌ها تأثیرگذار هستند.

بنابراین، رسانه‌ها در حال ساخت برنامه‌هایی مبتنی بر ایدئولوژی‌های فرهنگی، رفتاری، اجتماعی و سیاسی خاصی هستند که به جهان‌بینی‌های مختلفی منجر می‌شوند. این امر منجر به این می‌شود که بازنمایی و گفتمان به هم پیوند بخورند. در حقیقت، رسانه‌ها برای انتخاب اجزای واقعیت و برساخت معنا، درون چارچوب‌هایی (ساختارهای نهادی، اجتماعی، سیاسی، خط‌مشی‌ها و دستورالعمل‌های سازمانی و امثال آن) عمل می‌کنند که توسط گفتمان‌ها تعیین شده‌اند. بنابراین وظیفه مطالعه‌های رسانه‌ای، تلاش برای شناخت این نکته است که در جریان بازنمایی، معنی به چه نحوی از طریق رویه‌ها و صورت‌بندی‌های گفتمانی تولید می‌شود (مهدی‌زاده و علیزاده، ۱۳۹۳: ۲۲۱).

همان‌طور که فوکو مطرح می‌کند، گفتمان نوعی نظام بازنمایی است که موضوع را برمی‌سازد و ابژه دانش ما را تعریف و تولید می‌کند. بدین ترتیب، معنی و عمل معنی‌دار در گفتمان برساخته می‌شود (هال، ۱۳۹۱: ۳۶۲ - ۶۳). این فرایند معناسازی در خلأ رخ نمی‌دهد، بلکه برای برساخت آن نیاز به چارچوب‌هایی وجود دارد که بتوانند با کنار هم قرار دادن عناصر مختلف، فرایند معناسازی را متجلی کنند.

چارچوب‌بندی

چارچوب‌ها، ساختارهای شناختی اساسی و بنیادی هستند که نحوه ارائه و ادراک واقعیت را تعیین و به فرد کمک می‌کنند تا بتواند دنیای اطراف خود را تفسیر کند. بدین لحاظ چارچوب‌ها را می‌توان طرح‌واره‌های شناختی و ادراکی دانست که بر نحوه ادراک و فهم ما از واقعیت تأثیر می‌گذارند (مهدی‌زاده، ۱۳۹۱: ۸۱). این مفهوم را ابتدا گافمن در پژوهش‌های حوزه جامعه‌شناسی به کار برد. به باور او، ما از «طرح‌های تفسیری» برای سازمان‌دهی و دسته‌بندی تجربه‌های زندگی خود استفاده می‌کنیم تا معنادار شوند. این طرح‌های تفسیری چارچوب نام دارند و افراد را قادر می‌سازند تا «تعیین، درک و شناسایی کرده، برچسب بزنند». در تعریف، چارچوب «الگویی پیشینی در ذهن است که افراد با استفاده از آن می‌توانند تجربه‌های زندگی خود را با قرار دادن در این قاب‌ها معنادار سازند» (زابلی‌زاده و افخمی، ۱۳۹۲: ۱۲۳).

در حوزه ارتباطات نظریه چارچوب‌بندی را ابتدا گیتلین^۱ (۱۹۷۷) و تاچمن^۲ (۱۹۷۸) مطرح کردند که اشاره به چگونگی بسته‌بندی و ارائه مؤثر و کارآمد اخبار داشت. در حوزه ارتباطات، نظریه چارچوب‌بندی، اساس انتخاب و برجسته کردن را در بر می‌گیرد. چارچوب‌بندی، انتخاب جنبه‌هایی از واقعیت درک‌شده و برجسته‌تر کردن آن‌ها در یک متن ارتباطی است (انتمن^۳، ۱۹۹۳: ۵۲). بر این اساس، رسانه‌ها در نقش خبری، آینه انعکاس رویدادها و واقعیت دنیای اجتماعی و سیاسی نیستند، بلکه آفریننده واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی هستند و به برداشت افراد از دنیای اطرافشان هستی می‌بخشند. آن‌ها در تهیه خبر، علاوه بر انتخاب داده‌ها، آن‌ها را بر اساس قالب‌های جاافتاده به هم ربط می‌دهند و معنی دار می‌سازند. لذا، این رویداد نیست که قالب را تعیین می‌کند، بلکه این قالب است که داده‌ها را برمی‌گزیند و روابط آن‌ها را شکل می‌بخشد. فرایند گردآوری، گزینش و انتشار اخبار، فرایندی عینی و بی‌طرفانه نیست، بلکه آمیخته به ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است (مهدی‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۸-۱۹).

فرایند چارچوب‌سازی به ساخت چارچوب برای خانه تشبیه شده که در تناسب با اشیایی که قرار است در آن قرار بگیرند، طراحی می‌شود، ارتباطگر نیز متناسب با محتوای پیام خود، قالب و ساختاری را برای آن انتخاب می‌کند (مهدی‌زاده، ۱۳۹۱).

روش تحقیق

به منظور پاسخگویی به سؤال‌های اصلی پژوهش حاضر از روش تحلیل گفتمان انتقادی استفاده شده است. مطالعات گفتمانی بر این نکته تأکید دارد که "کاربرد زبان و تفکر به شکل همیشگی و کارکردی، در تعامل اجتماعی گفتمان متجلی می‌شود." (ون دایک، ۱۳۸۲: ۷۲). تحلیل گفتمان انتقادی، یکی از روش‌های تحلیل گفتمان است که پیش از همه به مطالعه چگونگی تولید، بازتولید و استمرار نابرابری‌ها، سلطه و قدرت اجتماعی در بافتار سیاسی و اجتماعی و از طریق متن و گفتار می‌پردازد. چنین روشی به دنبال فهم، شناخت و افشای این نابرابری‌هاست (شیفرین^۴ و دیگران، ۲۰۰۱؛ ون دایک، ۱۹۹۸). در تحلیل ون دایک مقوله‌ها یا کارویژه‌هایی که برای بررسی و توصیف متن خبرها به کار می‌روند عبارت‌اند از:

۱. واژگان: این مقوله، واژگان کانونی را که تکیه‌گاه متن به شمار می‌آیند، همراه با بار معنایی و کارکردی آن‌ها در متن مورد ارزیابی قرار می‌دهد. اینکه واژگان اصلی و کانونی متن کدام‌اند و موضوع یا مفهوم مورد نظر را مثبت یا منفی توصیف کرده‌اند، معرف گفتمان حاکم در مورد عملیات روانی و تبلیغاتی است که در متون خبری اعمال شده است. این

1. Gitlin
2. Tuchman
3. Entman
4. Schiffrin

مقوله می‌تواند پژوهشگر را در تحلیل واقع‌بینانه متن و زمینه‌های بافتاری متن مدد رساند (فرقانی، ۱۳۸۲: ۵۰).

۲. **قطب‌بندی یا غیرسازی (ارزش‌های منتسب به «خود» و «دیگری»):** این مقوله یا کارویژه، دو زیرمقوله مشخص دارد، نحوه توصیف و معرفی «خود» یا ارزش‌های منتسب به «خود» و نیز توصیف و معرفی «دیگری» یا ارزش‌های منتسب به «دیگری» در متن خبر. در حوزه جنگ روانی و تبلیغات سیاسی، غیرسازی یا قطب‌بندی اهمیت اساسی دارد. اینکه رسانه‌های حامی غرب و سیاست‌های امپریالیستی آن، «دیگر» را چگونه توصیف می‌کنند و چه نهادها و افرادی را در جبهه «خودی» و کدام را در جبهه «دیگری» قرار می‌دهد. این امر می‌تواند در تحلیل بینش‌ها و نگرش‌های رسانه‌ها و بررسی کنشگران بین‌المللی آن‌ها یاری‌رسان باشد. تعیین جایگاه و کارکرد ضمیر به‌کاررفته در متن نیز، محقق را در شناخت قطب‌بندی یا غیرسازی، یاری می‌رساند. علت این است که ضمیر، بیانگر نگرش کنشگر متن نسبت به دیگران است. مثلاً استفاده از ضمیر «ما» بیانگر این است که رسانه خود را نماینده یک جمع می‌داند یا اینکه خود و آن‌ها را یکی نشان می‌دهد. از طرف دیگر، استفاده از ضمیری چون «ایشان» یا «آن‌ها» مبین خط فاصلی با دیگران است (فرقانی، ۱۳۸۲: ۵۱).

۳. **پیش‌فرض‌ها:** پیش‌فرض‌ها، افکار قالبی و پیش‌داوری‌ها، زیرساخت استدلال و استنتاج نویسنده یا گوینده را شکل می‌دهد. بنابراین، شناخت پیش‌فرض‌ها، تحلیل‌گر را قادر می‌سازد به لایه‌های زیرین یا اهداف واقعی صاحب اثر پی ببرد. به‌طور کلی پیش‌فرض‌ها شامل مفروضاتی است که فهم ارتباط میان قضا و موضوع متن مشروط به آن‌هاست (فرقانی، ۱۳۸۲: ۵۲). نورمن فرکلاف معتقد است، پیش‌فرض‌ها از ویژگی‌های یک متن نیستند، بلکه بخشی از تفسیر تولیدکنندگان متن از بافت بینامتنی هستند. بسیاری از ویژگی‌های صوری متن به این پیش‌فرض‌ها اشاره دارد. فرکلاف در سطح تفسیر متن، حرف تعریف و بندهای پیرو را دو مورد مهم از این ویژگی‌ها می‌داند (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۴۳).

۴. **دلالت‌های ضمنی متن (تلقین و تداعی):** در مرحله تحلیل و تفسیر متن، شناخت مفاهیم و دلالت‌های ضمنی به محقق کمک می‌کند تا در تحلیل خود به این مطلب برسد که در فلان گزاره چه معانی غیر صریح و غیر آشکاری وجود داشته است؛ اینکه کنشگر متن از به کار بردن چنین معانی‌ای چه نیتی داشته و کاربرد آن‌ها چه معانی یا دلالت‌هایی را در پی دارد. محقق، معانی خاصی را به گزاره‌ها یا برخی جمله‌های مهم متن نسبت می‌دهد تا مشخص کند که عبارت‌ها یا متن مذکور چه قواعدی را در بر می‌گیرند. در این حوزه، تلقین چیزهایی را شامل می‌شود که متن به وسیله آن‌ها در صدد ذهنیت‌سازی است. تداعی، یادآوری مفاهیم و تعابیر ناگفته در یک متن است. در تلقین و تداعی، کنشگر به شکل غیر مستقیم، افکار و

ایده‌های ذهنی خاصی را در ذهن مخاطب ایجاد و با بیان ناگفته‌های مورد نظر خود، ذهنیت او را متأثر می‌کند (فرقانی، ۱۳۸۲: ۵۲).

در پژوهش حاضر دو خبرگزاری داخلی (فارس و ایسنا) و تارنمای خارجی (بی‌بی‌سی فارسی) به عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شده‌اند. از بین متون منتشرشده در این رسانه‌ها، دو متن اصلی به عنوان نمونه انتخاب شد که منعکس‌کننده دیدگاه‌های رسانه در زمینه موضوع اصلی پژوهش هستند. دلیل اینکه در سطح خارجی تنها به تارنمای بی‌بی‌سی اکتفا شده این است که این شبکه گزارش‌های مفصل و طولانی‌ای در زمینه مرگ ملکه انگلیس منتشر کرده بود و حتی دامنه پوشش این شبکه از این رویداد به حدی بود که باعث انتقادهایی به رویکرد آن در پوشش اخبار شد. با توجه به طولانی بودن تحلیل متن‌های انتخاب‌شده از شبکه بی‌بی‌سی در نمونه خارجی تنها به این شبکه اکتفا شده است. در جدول ۱ به خبرهایی اشاره شده که به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند.

جدول ۱. اخبار در رسانه‌های منتخب

عنوان خبرها	رسانه
میراث خونین ملکه انگلیس برای بشریت	خبرگزاری فارس
افسانه عدم دخالت ملکه سابق انگلیس در سیاست	
آنچه میان ایران و ملکه اتحادیه پادشاهی بریتانیا گذشت	خبرگزاری ایسنا
برده مخمل بر صحنه جنایت / کارکردهای تصویر ملکه برای نظام بریتانیا	
درگذشت ملکه الیزابت دوم؛ این لحظه‌ای است که تاریخ متوقف می‌شود	تارنمای بی‌بی‌سی فارسی
ملکه الیزابت دوم، نقطه ثابت در جهان در حال تغییر	

یافته‌های پژوهش

در این بخش بر اساس پنج کارویژه اصلی گزاره‌های اصلی، استعاره‌های به‌کاررفته، قطب‌بندی، پیش‌فرض‌ها و تلقین و تداعی، که در قسمت روش تحقیق به آن‌ها اشاره شد، اخبار رسانه‌های مختلف در جدول‌های مجزا تحلیل شده‌اند.

جدول ۲. استخراج اطلاعات خبرگزاری فارس

متن دو	متن یک	کارویژه	
افسانهٔ عدم دخالت ملکهٔ سابق انگلیس در سیاست	میراث خونین ملکه انگلیس برای بشریت		
همه‌پرسی؛ همه‌پرسی استقلال اسکاتلند؛ قانون.	بشریت؛ قیام جبههٔ ملی یمن علیه استعمار انگلیس؛ شهادت تمام سرنشینان هواپیمای مسافربری ایرانی «پرواز ۶۵۵ ایران ایر»، غیرنظامیان، دولت دکتر مصدق، جبههٔ ملی یمن؛ برچیدن نظام سلطنتی توسط جمال عبدالناصر؛ کارزار علیه تجارت اسلحه.	مثبت	
ادعای تشریفاتی بودن ملکه؛ افسانهٔ عدم دخالت ملکهٔ سابق انگلیس در سیاست؛ عبور قوانین طرح‌شده در پارلمان از زیر ذره‌بین سلطنتی؛ روند مبهم جلب رضایت ملکهٔ سابق برای تصویب قوانین؛ لابی کردن با دولت به صورت خصوصی؛ تغییر قانون شفافیت؛ پنهان نگه داشتن ثروت خود از مردم؛ طراحان اصلی حمله به مصر؛ مخمصهٔ برگزیت؛ درخواست «غیرقانونی»؛ مداخلهٔ ملکه در امور سیاسی؛ اشتباه وحشتناک کامرون؛ این‌ها حرف می‌زنند ولی عمل نمی‌کنند (اشاره به مقام‌های چینی)؛ گستاخ.	ریختن خون صدها هزار نفر از مردم جهان، صدها میلیون دلار ثروت شخصی؛ اموال شخصی و اموال سلطنتی؛ کودتای ۲۸ مرداد؛ بحران سوئز؛ نظام سلطنتی؛ اشغال جنوب یمن؛ شکنجه‌های هولناک اسیران در یمن؛ جدایی بحرین از ایران؛ انهدام هواپیمای مسافربری ایران، جنایت ارتش امریکا؛ شلیک موشک به هواپیمای مسافربری ایرانی «پرواز ۶۵۵ ایران ایر»؛ حمایت و پنهان‌کاری دولت «مارگارت تاچر» در جنایت دولت امریکا؛ جنگ فالکلند، جنگ اول خلیج فارس؛ عملیات «طوفان صحرا»؛ بمباران شدید در عراق؛ تسلیحات غیرمجاز؛ جنگ افغانستان، ادعای مقابله با القاعده و طالبان؛ جرائم جنگی ارتش انگلیس؛ جنگ عراق؛ بهانهٔ مقابله با سلاح‌های غیرمجاز؛ حملهٔ نظامی ویرانگر؛ تفرقه‌های قومی و مذهبی در عراق و شکل‌گیری گروه‌های تروریستی از جمله داعش؛ جنایت‌های گسترده‌ای از کشتار غیرنظامیان در رسوایی بلک واتر تا زندان مخوف و شکنجه‌های زندان ابوغریب؛ بحران سوریه؛ راهبرد فروپاشی دولت سوریه؛ کشته و زخمی شدن صدها هزار غیرنظامی؛ تبلیغ نیروهای مخالف سوریه؛ شورشیان در سوریه؛ تروریسم در سوریه؛ حمایت مالی و تسلیحاتی از دولت نامشروع یمن؛ حمایت‌های تسلیحاتی؛ لجستیکی و اطلاعاتی به ائتلاف سعودی - اماراتی؛ جنایات جنگی در یمن؛ خریداری تسلیحات انگلیس، امریکا و فرانسه از طرف ائتلاف سعودی - اماراتی؛ دیکتاتوری سعودی.	گزاره‌های اصلی	منفی
توشیح ملوکانه؛ صندلی زرین مجلس اعیان؛ ملکهٔ پرحرف و میکروفون‌های روشن	میراث خونین ملکهٔ انگلیس؛ ملکهٔ سابق استعمار پیر	استعاره‌های به کاررفته	

<p>مصر؛ چین</p>	<p>دولت دکتر مصدق؛ جمال عبدالناصر در مصر؛ جبهه ملی یمن؛ مردم یمن؛ مسافران هواپیمای مسافربری ایرانی «پرواز ۶۵۵ ایران ایر»؛ مردم جزیره فالکلند؛ مردم کویت؛ مردم افغانستان؛ مردم عراق؛ غیرنظامیان بلک واتر؛ دولت سوریه؛ مردم سوریه؛ کارزار علیه تجارت اسلحه.</p>	<p>خود</p>	
<p>انگلیس؛ ملکه سابق انگلیس؛ «چارلز» پادشاه کنونی انگلیس؛ مک‌میلان؛ انگلیس، فرانسه و رژیم صهیونیستی؛ بوریس جانسون؛ جانسون.</p>	<p>ملکه انگلیس؛ استعمار پیر (دولت انگلیس)؛ فضل‌الله زاهدی؛ رژیم صهیونیستی و فرانسه؛ رژیم آل‌خلیفه؛ ارتش آمریکا؛ دولت «مارگارت تاچر» نخست‌وزیر سابق انگلیس؛ دولت صدام؛ دولت «ترزا می»؛ آمریکا؛ داعش؛ دولت نامشروع یمن؛ ائتلاف سعودی - اماراتی؛ دیکتاتوری سعودی؛ بی‌ای‌تی سیستم؛ شرکت صنایع نظامی و هوافضایی بریتانیایی؛ تروریسم در سوریه؛ آمریکا و انگلیس و فرانسه، در کنار متحدان عرب خود.</p>	<p>دیگری</p>	<p>قطب‌بندی</p>
<p>مقام ملکه در انگلیس یک مقام تشریفاتی نیست و در حوزه‌های مهم داخلی و خارجی تصمیم اصلی را می‌گیرد.</p>	<p>ملکه انگلیس یک مقام تشریفاتی نیست، بلکه اصلی‌ترین نهاد تصمیم‌گیری در کشور انگلیس است و سیاست‌هایی که او در دهه‌های مختلف در پیش گرفته باعث ایجاد جنگ‌های خونین، کشته شدن افراد غیر نظامی و بی‌گناه، گسترش تروریسم و ناامنی در سراسر جهان شده‌اند.</p>	<p>پیش فرض‌ها</p>	
<p>متن به دنبال طرح این است که برخلاف تصویری که رسانه‌ها و دولت انگلستان از ملکه ارائه و وی را به یک مقام تشریفاتی تقلیل می‌دهند، دارای قدرت زیادی در صحنه داخلی انگلیس و سیاست خارجی این کشور است. در عرصه داخلی با دخالت در تصویب قوانین و تصویب قوانین مطابق میل ملکه این قدرت خودش را نشان می‌دهد. در عرصه خارجی با دخالت در امور کشورهای دیگر، به راه انداختن جنگ‌های خونین و دخالت در ارتباط دولت با کشورهای دیگر قدرت‌نمایی می‌کند.</p>	<p>متن به دنبال بررسی پیامد اقدام‌های ملکه انگلیس در طول سلطنتش است. هدف اصلی این است که نشان داده شود ملکه در انگلیس یک مقام تشریفاتی نیست، بلکه نهاد اصلی تصمیم‌گیری در حوزه‌های مختلف داخلی و خارجی است. متن با ارجاع به موارد متعددی نظیر کودتای ۲۸ مرداد، بحران سوئز، نظام سلطنتی، اشغال جنوب یمن، جدایی بحرین از ایران، انهدام هواپیمای مسافربری ایران، جنگ فالکلند، جنگ اول خلیج فارس، جنگ افغانستان، جنگ عراق، بحران سوریه و حمایت مالی و تسلیحاتی از دولت نامشروع یمن به دنبال اثبات این نکته است که ملکه انگلیس در تمام این فجایع بشری نقش داشته و حامی اصلی سیاست‌های دولت‌های انگلیس در داخل و خارج از کشور بوده است. بر اساس متن در بسیاری از موارد شاهد هستیم که در مناطقی از جهان که گفتمان‌های متضاد با استعمار سربرآورده‌اند کشورهای استعمارگر و به‌ویژه انگلیس به آن مناطق حمله کرده‌اند و ویرانی‌های متعددی را بر جای گذاشته‌اند.</p>	<p>تداعی و تلقین</p>	

جدول ۳. استخراج اطلاعات خبرگزاری ایسنا

متن دو	متن یک	کارویژه	
پردهٔ مخمل بر صحنهٔ جنایت / کارکردهای تصویر ملکه برای نظام بریتانیا	آنچه میان ایران و ملکهٔ اتحادیه پادشاهی بریتانیا گذشت	مثبت	گزاره‌های اصلی
قانون؛ دموکراسی؛ افکار عمومی؛ به مثابهٔ مادر / مادر بزرگ مهربان و دلسوز و خوش قلب؛ بالاترین نشان افتخار شوالیه بریتانیا؛ عالی‌ترین درجهٔ افتخار توسط ملکهٔ انگلستان.	دولت قانونی دکتر مصدق؛ مردم انقلابی ایران.	منفی	استعاره‌های به کاررفته
مقام تشریفاتی ملکهٔ انگلیس؛ مدعی دموکراسی (کشور انگلستان)؛ تجلیل و تقدیر و ستایش از یک مقام سلطنتی غیر منتخب؛ دیگر کرة شمالی را مسخره نکنید؛ شبیه اردوگاه‌های کار اجباری در آلمان نازی (اشاره به اردوگاه‌های کار اجباری انگلیس در کنیا)؛ مداخلهٔ نظامی انگلستان؛ جنگ کاملاً غیر قانونی و بر مبنای مستندات دروغ؛ شگفت‌آور و طنز تلخی (اشاره به فعالیت روشنفکران و روزنامه‌نگاران ایرانی در رسانه‌های انگلیسی)؛ رسانه‌های وابسته به این نهاد موروثی و غیر عقلانی و غیر مدنی؛ ادعای روشنفکری مدرنیسم و دموکراسی.	سلطنت شاه به جای حکومت در انگلیس؛ نقش تشریفاتی شاه؛ پروپاگانداي رسانه‌های وابسته به ملکه و دولت انگلیس؛ دولت علیاحضرت ملکهٔ بریتانیا؛ ملکه و کودتا.		
مادر بزرگ مهربان (طعن به ملکهٔ انگلیس)؛ جایگاه رازآلود و به اصطلاح جادویی ملکهٔ انگلیس؛ جنگ ویرانگر؛ چهرهٔ کربه و خبیث جنایت‌ها، جنگ‌ها و کشتارهای دولت انگلستان؛ جنایتکار جنگی (اشاره به تونی بلر)؛ نمایش فریبکارانه؛ حکومت موروثی.	ملکهٔ تزئینی؛ به روی همایونی‌اش نیارود؛ خشم و اعتراض‌های ستیزه‌جویانه (اشاره ملکهٔ انگلیس به مبارزه برای انقلاب جمهوری اسلامی)؛ رویای نافرجام ملکه.		
کنیا و مردم کنیا (که توسط انگلیس مورد ظلم واقع شده‌اند)؛ جنگ داخلی یمن در دههٔ ۶۰ میلادی (توسط انگلیس که باعث کشته شدن ۲۰۰ هزار نفر شد)؛ کشورهای مختلف آفریقایی و آسیایی از جمله در کره؛ مردم افغانستان و عراق (که کشور انگلیس علیه آن‌ها جنگ‌های خونین به راه انداخت).	دولت قانونی دکتر مصدق؛ مردم انقلابی ایران؛ انقلاب جمهوری اسلامی ایران؛ کشته‌شدگان هواپیمای اوکراینی.	خود	قطب‌بندی
ملکهٔ انگلیس؛ نخست‌وزیران انگلیس؛ چرچیل نخست‌وزیر؛ تونی بلر؛ روشنفکران و روزنامه‌نگاران ایرانی فعال در رسانه‌های انگلستان.	ملکهٔ انگلیس؛ شاه ایران؛ امریکا؛ وزارت خارجه امریکا (لویی هندرسون)؛ رسانه‌های تبلیغاتی غرب.	دیگری	
نهاد سلطنت در کشور انگلیس یک نهاد تشریفاتی و تزئینی نیست، بلکه اصلی‌ترین نهادی است که تصمیم‌های مهم تاریخ این کشور را می‌گیرد.	مقام سلطنت در انگلیس یک مقام تشریفاتی نیست و اصلی‌ترین نهاد تصمیم‌گیری در این کشور است.		پیش‌فرض‌ها

<p>متن به دنبال مطرح کردن این ایده است که نهاد سلطنت در کشور انگلیس، یک نهاد تشریفاتی نیست که ملکه تنها نقش یک مادر بزرگ مهربان را بازی کند، بلکه در مقاطع مختلف تاریخی با اتخاذ تصمیم‌های نادرست، جنگ‌های خونینی را در سراسر کره زمین به راه انداخته است.</p>	<p>متن به دنبال این است که نشان دهد، ادعای تزئینی بودن مقام ملکه در انگلستان، واقعی نیست و ملکه اصلی‌ترین نهاد تصمیم‌گیری در روابط خارجی است. در این زمینه متن به اصلی‌ترین واقعه مرتبط با کشور ایران یعنی کودتا علیه دولت دکتر مصدق اشاره می‌کند و نقش پررنگ ملکه و دولت انگلیس را در آن یادآور می‌شود. در ادامه به مخالفت ملکه با انقلاب اسلامی اشاره می‌کند. متن نشان می‌دهد اظهار نظرهای ملکه، با شیوه عمل دولت‌ها در انگلیس کاملاً هم‌راستا بوده‌اند.</p>	<p>تداعی و تلقین</p>
--	--	----------------------



جدول ۴. استخراج اطلاعات تارنمای بی بی سی

متن دو	متن یک	کارویژه
ملکه الیزابت دوم، نقطه ثابت در جهان در حال تغییر	درگذشت ملکه الیزابت دوم؛ این لحظه‌ای است که تاریخ متوقف می‌شود	
<p>احساس مسئولیت شدید و عزم راسخ او برای وقف زندگی اش برای تاج و تخت و مردمش؛ توفیق ملکه در حفظ سلطنت در چنین دوران پرتلاطمی؛ بزرگ شدن در فضای خانوادگی پرمهر و محبت؛ اقتدار اعجاب‌آور ملکه در کودکی؛ استعداد ملکه در یادگیری زبان و تاریخ قانون اساسی بریتانیا؛ پیوستن ملکه به شاخه زنان ارتش بریتانیا در جنگ جهانی دوم؛ مراسم ازدواج ملکه به بریتانیای گسترسی دوران بعد از جنگ قدری رنگ بخشید؛ تاجگذاری؛ سعی کنم کارها را به بهترین نحو ممکن انجام دهم؛ بخش شدن مراسم تاجگذاری ملکه از تلویزیون؛ تاجگذاری الیزابت سراز آغاز یک عصر الیزابتی تازه؛ رعایت دقیق قانون اساسی؛ تفکیک میان نهاد سلطنت و دولت‌های حاکم؛ ارائه چهره خودمانی تر و دست‌باقتی‌تری از کاخ باکینگهام از اواخر دهه ۱۹۶۰؛ ساخت مستند خانواده سلطنتی؛ جای محکم نهاد سلطنت در دل مردم به واسطه شخص ملکه؛ تعلق خاطر ملکه به جامعه کشورهای مشترک المنافع؛ وضع مجازات و تحریم علیه حکومت آپارتاید (تبعیض نژادی) آفریقای جنوبی؛ همدلی ملکه با آرمان‌های رهبران کشورهای آفریقای؛ سخنرانی ملکه در جلسه مشترک کنگره در امریکا؛ او همواره دوست آزادی بوده است (سخن جورج بوش پدر در مورد ملکه)؛ نماد ملت؛ خوشحالی ملکه از فروپاشی آپارتاید در آفریقای جنوبی؛ در داخل بریتانیا، ملکه سعی داشت شأن سلطنت را حفظ کند؛ ملکه سعی می‌کرد نقش چهره‌ای آرامش‌بخش را بازی کند؛ نقش ملکه به عنوان یک مادربزرگ دلسوز در مسئله مرگ دایانا؛ پیاده‌روی بدون تشریفات ملکه در روز تولد ۸۰ سالگی اش؛ محبوبیت فراوان ملکه در میان مردم؛ اهمیت تاریخی سفر ملکه به ایرلند؛ عمر را صرف خدمت به مردمان کنم.</p>	<p>صدایی با طنین بلند، و حروف صدا دار دقیق مقطع، و درنگی مختصر در سخنرانی عمومی؛ درخشش جوانی را در پوست بی‌عیبش می‌توان دید، بسیار زیباست؛ وقف زندگی اش برای مردم؛ چشمانش هنوز می‌درخشند و صدایش هنوز شفاف است؛ شاهدخت الیزابت؛ پدر پرمهرش؛ سالگرد پیروزی عظیم و قهرمانانه؛ ستودن کلمه خدمت؛ اینار برای آزادی دیگران؛ فرزند عصر ارتباطات؛ سهل‌انگاری نکردن درباره‌ی رسانه‌ای که پایه‌ی خودش بزرگ شد؛ باید دیده شوم تا سخنم را باور کنند؛ پیراهن‌ها و لباس‌هایی به دقت انتخاب‌شده؛ لازم نمی‌دید احساساتش را با بقیه در میان بگذارد؛ ملت عوض می‌شدند، او عوض نمی‌شد؛ تصادم تقدیر و شخصیت ملکه؛ عزیز داشتن سنت؛ نقطه عطفی از تاریخ بریتانیا؛ پیروز در جنگ؛ عقب‌نشینی با شکوه از جایگاه امپراتوری؛ موفقیت اقتصاد و ستارگان مشهور؛ دگرگونی خانه‌ها و زندگی‌های اجتماعی با کالاهای مصرفی؛ پیوستن زنان به نیروی کار؛ متحرک، بسیط و متنوع شدن جامعه؛ دیدن ملکه در تلویزیون و آشنایی با سبک زندگی وی؛ مقاومت در برابر تغییر؛ عشق نسبت به سنت؛ بزرگ‌ترین نقطه قوت او بود؛ خانواده همیشه بعد از تخت‌وتاج قرار داشت؛ مادری با احساس ولی دور از دسترس؛ اعتقاد ملکه به ازدواج عامل انسجام‌بخش خانواده؛ موجی از تحسین در داخل کشور و خارج کشور در سال‌های اول سلطنت ملکه؛ جمع شدن جمعیت‌های عظیم در سفرهای بین‌المللی برای دیدن ملکه؛ ملکه با هوش؛ فرشی سرخ از گل در برابر کاخ کتینگتون؛ درس‌هایی که باید یاد گرفته می‌شدند؛ تصمیم‌گیری برای بزرگ داشتن؛ بیرون کشیدن پیروزی از میان آوارده‌های بحرانی عمیق؛ ستاره جهانی بی‌همتا؛ ابزار ظریفی برای اثرگذاری؛ استقبال مردم در استرالیا و هند از ملکه انگلیس؛ سرود ملی؛ ساختن انجمنی نو در خاکستر میراث امپراتوری بریتانیا؛ انجام سفرهای بین‌المللی به نیابت از دولت به عنوان ابزار سیاست خارجی؛ سفرهایی با کار سخت، روزهای طولانی و هفته‌ها ملاقات، نمايشگاه، افتتاحیه، ناهار با مقام‌ها، شام‌های دولتی و سخنرانی؛ یکی از برجسته‌ترین تجربه‌های زندگی ام (سفر ملکه به آفریقای بعد از آپارتاید)؛ یکی از فراموش‌نشده‌ترین لحظه‌های تاریخ ما (نظر نلسون ماندلانا در مورد سفر ملکه به آفریقای بعد از آپارتاید)؛ ادای احترام ملکه به ایرلندی‌هایی که با بریتانیا جنگیده بودند؛ سخنرانی به ایرلندی و ربودن دل ایرلندی‌ها؛ از بین بردن سوء نیت و بی‌اعتمادی بین ایرلند و بریتانیا؛ فقط نقش مشاور، مشور یا هشداردهنده به دولت؛ کارش گوش دادن بود؛ آزادانه سخن گفتن نخست‌وزیران در خدمت ملکه؛ داشتن حافظه و دریافت قوی؛ داوری در میانه بعضی جنجال‌ها؛ نقش به‌شدت محدود ملکه؛ تقریباً ساکت بودن صدای سیاسی تاج و تخت؛ خدمات سلامت ملی؛ رفاه و آموزش شهروندان؛ متحد ساختن یک ملت روزبه‌روز متفرق‌تر و ناهمگون‌تر توسط ملکه؛ احتیاط در بحث استقلال اسکاتلند؛ پرهیز از جنجال سیاسی؛ رئیس‌ملت؛ شخصیت ملکه بود که پیش‌راننده حکمرانی اش بود؛ یک ملکه غیر جنجالی که هرگز تسلیم‌مد نشده بود؛ من آخرین سنگر ضوابط هستم؛ خلق و خوی بهتر یا حسن ادبی بهتر از دیگران دارد؛ خدمت ملکه.</p>	<p>مطلب</p> <p>گزاره‌های اصلی</p>

	منفی	<p>درگذشت ملکه الیزابت دوم؛ توقف تاریخ؛ زمستان سخت بعد از جنگ؛ چیز مهمی به بیرون درز نکند؛ گردبادی از تغییر؛ کشور دیگر یک قدرت جهانی نظامی یا اقتصادی نبود؛ جوامع قدیمی طبقه کارگر با زاغه‌هایی که خانه‌شان بود به کناری رانده شده بودند؛ بزرگ‌ترین آزمون و دشوارترین بحران برای او، از هم گشوده شدن بندهای خانواده‌اش بود (از هم گسیخته شدن سنت در خانواده سلطنتی)؛ طلاق و جدایی عامل بعضی از تیره‌ترین بدی‌های جامعه امروزی ما هستند؛ سال هولناک (سال جدایی دوک و دوشس یورک، طلاق شاهدخت آن و کاپیتان مارک فیلپس و جدایی شاهزاده و شاهدخت)؛ نقطه افولی در زندگی ملکه؛ فاصله گرفتن سلطنت از عامه مردم تا نیمه دهه نود؛ انتقاد روزنامه‌ها از ملکه و تأمل درباره آینده سلطنت؛ خبر مرگ دایانا، شاهدخت ولز؛ اشتباه هولناک در قضاوت؛ شک کردن در مورد هو و مسخره کردن ملکه (بعد از مرگ دایانا)؛ زهری که گرداگرد خانواده سلطنتی و اطراف کاخ و خود نهاد سلطنت حلقه زده بود؛ غروب طولانی مدت امپراتوری؛ پایین آوردن پرچم در مستعمره‌های پیشین؛ روسیه رژیم بود که بستگان او را به قتل رسانده بود؛ آپارتاید؛ انقلاب خون‌بار، تقسیم و استقلال ایرلند؛ اقدام‌های خشونت‌بار در برابر مرز تقسیم‌کننده بعد از جنگ جهانی دوم؛ اقدام‌های سرکوب‌کننده دولت بریتانیا؛ دوقطبی شدن جمهوری ایرلند؛ وجود بی‌اعتمادی در آب‌باریکه تنگی که بریتانیا و ایرلند را از هم جدا می‌کرد؛ بی‌دست‌آورد بودن دوران حکمرانی ملکه؛ ایرلند کابوس بسیاری از نخست‌وزیران او بود؛ بیکاری سرسام‌آور، شورش‌ها در شهرهای بزرگ، کاهش بودجه‌ها و اعتصاب معدن‌کاران؛ یک ملت روزبه‌روز متفرق‌تر و ناهمگون‌تر؛ فاجعه‌ها و انتقادهای دهه ۱۹۹۰؛ سرخوردگی‌های پس از آرزوهای بلند تغییر سیاسی، که ریشخندگری ریشه دوانید و رهبران سیاسی به استهزا گرفته شدند؛ تیر و فلاخن‌هایی که به سوی او و خانواده‌اش طی چندین دهه پرتاب می‌شد.</p>
استعاره‌های به کاررفته	خود	<p>لحظه‌ای آفتاب‌گیر؛ عصر الیزابتی تازه؛ خضوع ملکه؛ طلوع ستاره اقبال سلطنت؛ چهره فسادناپذیر استمرار؛ خاکستر میراث امپراتوری بریتانیا.</p> <p>ملکه الیزابت؛ دولت انگلیس؛ نهاد سلطنت در انگلستان؛ آفریقای جنوبی پس از آپارتاید؛ نلسون ماندلا؛ نخست‌وزیران انگلیس؛ مردم بریتانیا؛ مردم استرالیا و هند.</p>
قطب‌بندی	دیگری	<p>آلمان و حکومت نازی آلمان‌ها در جنگ جهانی دوم؛ مستعمره‌ها و دومینیون‌های سابق؛ لرد آلترینجام؛ مارگارت تاچر؛ آفریقای جنوبی دوره آپارتاید؛ ایرلند.</p>

افول نفوذ بریتانیا در جهان؛ زیر سؤال رفتن نهاد سلطنت؛ بحران کناره‌گیری؛ روزگار تنش‌های روزافزون اروپا؛ تعصب‌ها و پیش‌داوری‌ها در مورد فیلپ؛ زمخت؛ استرس شدید دوران جنگ؛ وخامت حال؛ مرگ پادشاه؛ بحران سوئز؛ ریاضت اقتصادی بعد از جنگ؛ اضمحلال امپراتوری بریتانیا بعد از جنگ جهانی دوم؛ استقلال مستعمره‌های سابق؛ پایین آوردن پرچم بریتانیا؛ افول نفوذ بریتانیا با افتضاح کانال سوئز؛ جامعه کشورهای مشترک المنافع فاقد اراده لازم برای اقدام جمعی در بحران‌هاست؛ استعفا آنتونی ایدن نخست‌وزیر به عنوان بحرانی سیاسی؛ عصر تغییرها؛ رسوایی فاجعه؛ رفتار و منش جدلی خانم تاچر در نظر ملکه "تعجب‌آور" بوده است؛ مخالفت نخست‌وزیر (مارگارت تاچر) با وضع مجازات و تحریم علیه حکومت آپارتاید (تبعیض نژادی) آفریقای جنوبی؛ طلاق‌های خاندان سلطنتی؛ آتش‌سوزی بزرگ در کاخ وینزور؛ ملکه سال ۱۹۹۲ را "سال وحشتناک" زندگی‌اش خواند؛ پشت کردن بریتانیا به شرکای قدیمی‌اش؛ تردیدهایی درباره استرالیا و نیوزلند؛ جشن‌های بزرگداشت سراسری؛ قدرتمند نبودن نهاد سلطنت در سال‌های پایانی عمر ملکه.

<p>پیش فرض اصلی این متن این است که ملکه انگلیس، حداقلی از دخالت را در سیاست کشور دارد و این را پذیرفته است که نهاد سلطنت یک نهاد تشریفاتی است و وظایف اصلی بر عهده دولت است. با وجود این، متن بر این نکته نیز تأکید دارد که در بزنگاه‌های تاریخی، همین نهاد تشریفاتی می‌تواند اصلی‌ترین راه‌حل‌ها را برای مهم‌ترین معضله‌هایی ارائه دهد که کشور انگلیس با آن‌ها مواجه است.</p>	<p>پیش فرض‌ها</p>
<p>در این متن به مراحل مختلف زندگی ملکه اشاره و تلاش شده به زندگی سخت و دشوار وی و چالش‌هایی که در این سال‌ها با آن‌ها مواجه بوده و نحوه مدیریت این چالش‌ها برای سرپا نگه داشتن جامعه انگلیس توسط ملکه اشاره شود. متن با تأکید اصلی بر زندگی خانوادگی ملکه، به دنبال تأکید بر این نکته است که نهاد سلطنت در انگلیس یک نهاد تشریفاتی است و تنها به عنوان نماد ملت از آن استفاده می‌شود.</p>	<p>این متن در تلاش است این نکته را گوشزد کند که ملکه انگلیس، در زندگی شخصی و کار و امور مربوط به سلطنت، شخصیت متمایز و برجسته‌ای داشته است. در این راستا متن به اتفاق‌های مختلفی اشاره می‌کند که در طول زندگی ملکه انگلستان، در دوره‌های مختلف سلطنتش رخ داده و با ارجاع به آن‌ها سعی در قوام بخشیدن به استدلالش دارد. ملکه در زندگی شخصی و در مقام یک مادر، فردی مهربان و با درایت به تصویر کشیده شده و علیرغم اینکه همه زندگی‌اش را وقف کار کرده، از امور مربوط به فرزندانش نیز غافل نبوده است. در متن به مواردی نظیر مرگ شادخت ولز، دایانا و طلاق‌های خاندان سلطنتی اشاره شده که ملکه، با واکنش درست توانسته آن‌ها را مدیریت کند. تصویری که از ملکه چه در زندگی خانوادگی و چه در حیطه سلطنت و اداره امور ارائه می‌شود، وی را فردی محافظه‌کار و پایبند به سنت نشان می‌دهد؛ به همین دلیل وی به مواردی نظیر طلاق در زندگی خانوادگی به شدت انتقاد داشته است. علیرغم اینکه متن به دنبال این است که نهاد سلطنت را در انگلستان، یک نهاد تشریفاتی و با حداقلی از قدرت نشان دهد، اما تصویری که از ملکه ارائه می‌شود، وی را فردی صاحب قدرت و با ذکاوت نشان می‌دهد که قدرت زیادی در مدیریت بحران‌هایی دارد که جامعه انگلستان با آن‌ها درگیر بوده است.</p>

نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر بیانگر این نکته است که مرگ ملکه انگلیس، با یک اصطلاح گسترده‌تر، یعنی نهاد سلطنت در انگلیس، در هم تنیده شده است. دو گفتمان مختلف در این زمینه قابل واکاوی هستند که یکی از آن‌ها نهاد سلطنت را در انگلیس نهادی تشریفاتی و تزئینی می‌داند و دیگری گفتمانی که معتقد است که این نهاد اصلی‌ترین مرجع تصمیم‌گیری در کشور انگلیس است. علیرغم تضاد آشکار این دو گفتمان، آن‌ها در یک دال مرکزی به هم پیوند می‌خورند و آن اینکه مرگ ملکه انگلیس دلیل خوبی است برای اینکه نقش نهاد سلطنت در کشور انگلیس مشخص شود.

بر اساس تحلیل داده‌ها تارنمای بی‌بی‌سی، نماینده اصلی گفتمانی است که نهاد سلطنت و شخص ملکه الیزابت را نهادی تشریفاتی می‌داند که دارای حداقلی از قدرت است. این نهاد بیشتر از آنکه از قدرتش برای تأثیرگذاری بر جریان امور استفاده کند از وجهه و مقبولیتی که بین مردم در داخل و خارج از کشور دارد، برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی استفاده کرده است. در این گفتمان از ملکه دو تصویر جدا، اما به هم پیوسته و مکمل ارائه می‌شود؛ یکی ملکه در قامت یک مادر و دیگری ملکه در قامت یک حکمران؛ هرچند بنابر ادعای شبکه بی‌بی‌سی با حداقلی از قدرت. ملکه در قامت یک مادر، فردی دلسوز و مهربان به تصویر کشیده می‌شود که نقش اصلی را در حفظ بنیان خانواده‌اش داشته و اگر نقش او در قامت یک فرد باتدبیر نبود، به احتمال زیاد بحران‌هایی که خانواده سلطنتی در دهه‌های مختلف با آن‌ها مواجه شده، باعث صدمات جدی به خانواده سلطنتی می‌شدند. از سوی دیگر تصویر ملکه در قامت یک حکمران مدافع سنت قرار دارد که بقای جامعه انگلیس را تضمین کرده است. در هر دو متن، با اشاره به بحران‌های مختلف، بر این نکته تأکید شده که اگر رهبری ملکه انگلیس، به عنوان نماد یک ملت نبود، این بحران‌ها می‌توانستند صدمات جدی به جامعه وارد کنند.

دو متن علیرغم ادعایی مبنی بر تشریفاتی بودن نهاد سلطنت و به حداقل رسیدن قدرت این نهاد در انگلیس، به گزارش دادن‌های هفتگی نخست‌وزیرها به ملکه، نظارت بر عملکرد دولت‌ها، مشاوره‌های ملکه به نخست‌وزیرهای وقت و تعیین نخست‌وزیر در شرایط بحرانی اشاره داشته که همه این‌ها تداعی‌کننده این است که نهاد سلطنت در انگلیس، چندان هم فاقد قدرت نیست. تارنمای فارسی بی‌بی‌سی، به دنبال تقدس‌نمایی و ارائه یک تصویر مطلوب و بی‌نقص از ملکه انگلیس است، به طوری که استدلال در متن به صورتی است که تمام تصمیم‌های ملکه درست نشان داده شده‌اند؛ حتی در مواردی هم که منتقدان به عملکرد ملکه نقدی وارد کرده‌اند، آن را ناشی از کج‌فهمی دانسته‌اند. در یک جمله، بی‌بی‌سی ملکه را نماد تمام خوبی‌هایی می‌داند که هر بریتانیایی به دنبال دستیابی به آن‌هاست، به طوری که در جایی از متن به این نکته اشاره شده است که او بازتاب بسیاری از چیزهایی بود که بریتانیایی‌ها دوست دارند بهترین خصلت‌های خود بدانند.

بی‌بی‌سی همواره مدعی بوده است که در بازنمایی رویدادهای مختلف عملکردی مستقل و بی‌طرف دارد، با وجود این شیوه بازنمایی مرگ ملکه انگلیس یکی از شواهد مهمی است که می‌تواند نفی‌کننده این ادعا باشد. از نظر کمی بی‌بی‌سی با پوشش ۲۴ ساعته اخبار مربوط به فوت ملکه انگلیس بیشترین توجه را به این رویداد نشان داد. از نظر نوع گفتمان نیز تقدیس ملکه و تحسین فراوان از عملکرد وی در زندگی خانوادگی و کاری، یکی دیگر از نشانه‌های عدم بی‌طرفی این رسانه در پوشش رویدادهای پیرامون است.

در تقابل با گفتمان تارنمای فارسی زبان شبکه بی‌بی‌سی، گفتمان‌های داخلی کشور ایران

قرار دارند. با بررسی دو خبرگزاری فارس و ایسنا در این زمینه مشخص شد، در کشور ایران گفتمان یکسانی در مورد شخص ملکه و نهاد سلطنت در انگلستان وجود دارد، منتهی در گفتمان‌سازی خبرگزاری‌های ایرانی، بنابر مالک رسانه بین این دو خبرگزاری تفاوت‌هایی جزئی وجود دارند. در خبرگزاری داخلی گفتمان اصلی این است که نهاد سلطنت در کشور انگلیس، یک نهاد تشریفاتی و فاقد قدرت نیست، بلکه نهاد اصلی تصمیم‌گیری در کشور انگلیس است که هم کشورهای ایران و هم سایر دولت‌ها و ملت‌های جهان در طول تاریخ، از تبعات تصمیم‌های مخرب این نهاد دچار بحران‌های ویرانگری شده‌اند.

خبرگزاری فارس، بنابر مواضع تندتری که دارد، در این زمینه نقدهای صریح‌تری را مطرح می‌کند. در گفتمان‌سازی خبرگزاری فارس دو نکته را باید از یکدیگر تفکیک کرد؛ یکی اشاره به فساد مالی نهاد سلطنت و دیگری اشاره به بحران‌هایی است که این نهاد، در خارج از کشور انگلیس، برای سایر ملل ستم‌دیده جهان ایجاد کرده است. از سوی دیگر بخش اعظمی از گفتمان خبرگزاری فارس به جنگ‌های خونین و ویرانگری اشاره دارد که کشور انگلیس علیه ملل مختلف به راه انداخته است. خبرگزاری فارس با طرح این ایده که نهاد سلطنت در کشور انگلیس، تشریفاتی نیست و تشریفاتی دانستن این نهاد یک افسانه است، میراث خونین ملکه انگلیس را برای جهان شامل مواردی نظیر کودتای ۲۸ مرداد، بحران سوئز، نظام سلطنتی، اشغال جنوب یمن، جدایی بحرین از ایران، انهدام هواپیمای مسافربری ایران، جنگ فالكلند، جنگ اول خلیج فارس، جنگ افغانستان، جنگ عراق، بحران سوریه و حمایت مالی و تسلیحاتی از دولت نامشروع یمن می‌داند که کشور انگلیس در این موارد به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم و با حمایت از سایر دولت‌هایی که در این وقایع نقش داشته‌اند، دخالت داشته است.

گزاره مرکزی خبرگزاری ایسنا نیز، مانند خبرگزاری فارس، بر این ایده محوری شکل گرفته که نهاد سلطنت در کشور انگلیس یک نهاد تشریفاتی نیست و نقش اصلی را در مدیریت کشور انگلیس، در سطح داخلی و خارجی، بر عهده دارد، بنابراین ملکه آن مادر بزرگ مهربانی نیست که به تصویر کشیده می‌شود، بلکه در پشت پرده تمام اقدام‌هایی که دولت انگلیس انجام می‌دهد، شخص ملکه قرار دارد. در این زمینه پیش از هر چیزی، خبرگزاری ایسنا به عملکرد ملکه انگلیس در مورد کشور ایران پرداخته است و مواردی نظیر کودتای ۲۸ مرداد و مخالفت با انقلاب اسلامی را از اصلی‌ترین اقدام‌های ملکه در ضدیت با کشور ایران می‌داند. هر چند که خبرگزاری ایسنا نیز، مانند خبرگزاری فارس، به تشریفاتی نبودن نهاد سلطنت در انگلیس معتقد است، اما در گفتمان‌سازی خبرگزاری ایسنا بحث‌ها با صراحت کمتری مطرح شده‌اند و تلاش شده با استناد به گفته‌های ملکه و مواضع دولت انگلیس مطالب به صورت مستندتر ارائه شوند. بنابر نکات مطرح شده در زمینه بازنمایی مرگ ملکه انگلیس در رسانه‌های داخلی و خارجی باید گفت، مرگ ملکه انگلیس بیش از هر چیزی بحث بر سر نهاد سلطنت در کشور انگلیس را

مطرح کرده است. در این زمینه دو گفتمان مختلف شناسایی شدند که به تلاش دولت‌ها برای بازنمایی رویدادها از زوایای مختلف اشاره دارند، همچنان که مهدی‌زاده و علیزاده (۱۳۹۳) مطرح کرده‌اند، دولت‌ها سعی دارند بازنمایی رسانه‌ها از رویدادها، به معنای مورد نظر آن‌ها نزدیک‌تر باشد، چراکه در صورت پذیرش این معنا از سوی مخاطبان، به حمایت افکار عمومی از گفتمان مورد حمایت دولت و در نهایت سیاست دولت منتهی می‌شود. بنابراین، با توجه به اینکه اتخاذ هر کدام از این رویکردها در مورد نهاد سلطنت در کشور انگلیس، می‌تواند واکنش‌های متفاوتی را در مخاطب ایجاد کند، هر کدام از دو سوی طیف در تلاش هستند تا با ارائه مستندات گفتمان خود را در این زمینه موثق‌تر نشان دهند.

© Authors, Published by Bureau of Media Studies and Planning. This is an open-access paper distributed under the CC BY (license <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



منابع

- بشیر، حسن، و محمدفاضل بیدگلی. "جنبش اشغال وال استریت: تحلیل گفتمان پوشش خبری سایت‌های بی‌بی‌سی، پرس‌تی‌وی و صدای آمریکا در پاییز ۱۳۹۰". مطالعات بین‌رشته‌ای در رسانه و فرهنگ. ۲، ۴، (۱۳۹۳): ۲۵-۵۳.
- حاجی، سمیه، و سیدبشیر حسینی. "طراحی و شکل‌گیری رویداد رسانه‌ای: مطالعه موردی پوشش رسانه‌ای از دواج نوه ملکه انگلیس از شبکه بی‌بی‌سی فارسی (۲۹ آوریل ۲۰۱۱)". رسانه‌های دیداری و شنیداری. ۹، ۲۰ (۱۳۹۲): ۱۸۹-۲۱۰.
- ساعی، منصور. "بازنمایی ابعاد تاریخی و سیاسی هویت ملی در تلویزیون جمهوری اسلامی ایران: مطالعه موردی سریال‌های تاریخی درجه الف در سه دهه پس از انقلاب اسلامی". پژوهش سیاست نظری. دوره جدید. شماره هفتم (۱۳۸۹): ۱۱۳-۱۴۲.
- سرابی، سعید، و هادی بهجتی فرد. "مقایسه گفتمان خبری سایت‌های فارسی زبان شبکه‌های العربیه و بی‌بی‌سی مطالعه موردی اعتراضات عمومی در بحرین". پژوهش‌های ارتباطی. ۲۳، ۸۵ (۱۳۹۵): ۱۳۳-۱۵۰.
- سلطانی‌فر، محمد، و شهناز هاشمی. پوشش خبری. تهران: انتشارات سیمای شرق.
- سلیمانی ساسانی، مجید، علی اسکندری، و رامین چابکی. "فرایند برجسته‌سازی در بی‌بی‌سی فارسی؛ تحلیل روایت برنامه‌های کوک، صفحه دو، آیارات". مطالعات قدرت نرم. ۲، ۶ (۱۳۹۱): ۸۳-۱۱۲.
- شکرخواه، یونس. ۱۳۹۱. خبر. تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها.
- فرخی حقیقت، امین، و بهنام یآوری. "بازنمایی تصویر دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی در شبکه بی‌بی‌سی فارسی؛ مطالعه موردی مستند «مصدق، نفت و کودتا»". مطالعات ماهواره و رسانه‌های جدید. ۳، ۱۰ و ۱۱ (۱۳۹۳): ۷۷-۱۰۶.
- فرخی، میثم، و مریم آریایی. "بررسی پوشش خبری تشییع شهید سلیمانی در رسانه‌های موافق و مخالف جبهه مقاومت". رسانه. ۲۳، ۱ (۱۴۰۱): ۲۱۵-۲۵۰.

فرقانی، محمد مهدی. ۱۳۸۲. راه دراز گذار: بررسی تحول گفتمان توسعه سیاسی در ایران (۱۳۷۷-۱۳۸۷). تهران: فرهنگ و اندیشه.

فرکلاف، نورمن. ۱۳۷۹. تحلیل انتقادی گفتمان. ترجمه گروه مترجمان. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

مهدی‌زاده، سید محمد. ۱۳۹۱. نظریه‌های رسانه. تهران: همشهری.

مهدی‌زاده، سید محمد. ۱۳۸۷. رسانه و بازتابی. تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.

مهدی‌زاده، سید محمد، و عبدالرحمان علیزاده. "بازتابی برکناری مرسی در اخبار تلویزیونی صداوسیما ج. ا. ا. و بی‌بی‌سی فارسی". مطالعات فرهنگ - ارتباطات. ۱۵، ۲۵ (۱۳۹۳): ۲۱۷-۲۴۲.

ویلیامز، کوین. ۱۳۹۱. درک تئوری رسانه‌ها. ترجمه رحیم قاسمیان. تهران: ساقی.

Entman, R. M. "Framing: Toward clarification of a fractured paradigm". *Journal of communication*. 43, 4(1993).

Gitlin, T. "Spotlights and shadows: television and the culture of politics". *College English*. 38, 8 (1977).

Hall, S. 2003. *The Work of Representation*, in S. Hall (ed.) *Representation: Cultural Representations and Signifying Practices*, London: Sage publication.

Lubrano, A. 1997. *The Telegraph: How Technology Innovation caused social change*. New York: Garland Publishing.

Schiffrin, D, Tannen, D. & Hamilton, H, E. 2001. *The handbook of discourse analysis*. Blackwell Publisher.

Tuchman, G. 1978. "Making news: A study in the construction of reality". (Vol. 256). Free Press New York.

Van Dijk, T. A. 1998. *Ideology: A multidisciplinary approach*. London, England: Sage.

